

مقدمه:

استاد علی اصغر بهاری، به سال ۱۲۸۴ در تهران متولد شد. پدرش محمدتقی خان، وی را تحت تعلیم مستقیم خود قرار داد و به او طرز نواختن کمانچه را آموخت ولی پس از سه سال به وی گفت: از این به بعد باید به نواختن کمانچه دایمی هایت گوش دهی و طرز نواختن آنها را بیاموزی.

اصغر نوجوان، از دایمی های خود چیزهایی را که باید می آموخت، فراگرفت تا اینکه در هجده سالگی همراه با ارکستر ابراهیم خان منصور در کنسرتی که در تهران برپا شده بود شرکت کرد. از همان روز آوازه کمانچه و شهرت نوازندگی بهاری به گوش موسیقیدانان رسید و او را به عنوان نوازنده ای خوب و آگاه به گوشه های موسیقی ایرانی

پذیرفتند.

استاد بهاری مردی است صادق، خوشرو، و بی تکبر. او استاد و هنرمندی است که برای آموختن هنرش به شاگردان خود از هیچ کوششی دریغ نمی ورزد. علی اصغر بهاری یکی از استادان بزرگ کمانچه کش ادوار موسیقی سنتی و بزرگترین نوازنده کمانچه در زمان ما است.

□ استاد! با تشکر از این که ما را به حضور پذیرفتید اگر ممکن است از چگونگی شروع فعالیت هنریمان برایمان بگوئید؟

■ موسیقی در خانواده مادری من موروثی است. من هم از سن ده سالگی در منزل پدر بزرگ بودم و از همانجا درس موسیقی را نزد او شروع کردم. دو سه سالی از پدر بزرگ (مادری ام) درس می گرفتم و بعد از آن هم دایمی هایم که به اصطلاح از موسیقیدانان خیلی نامی بودند، استادان من شدند. بنده هم با آنها کار می کردم تا سن ۱۵ سالگی که دیگر برای نوازندگی در ارکستر آماده بودم. (البته با دایمی هایم همکاری می کردم. با ارکستری به نام ابراهیم خان منصور کار می کردم. آن ارکستر، هشت نفری بود. البته جداگانه با دایمی های خود هم در جاهای دیگر برنامه اجرا می کردیم. می خواهم بگویم که من از ۱۵ سالگی آماده نوازندگی بودم. به همین ترتیب گذشت تا اوایل سال ۳۲ که به رادیو رفتم و در ارکسترهای مختلفی با صبا، عبادی و تهرانی همکاری داشتم. تقریباً اوج کار ما در رادیو سالهای ۳۳ تا ۴۴ بود و بعد از آن هم که تلویزیون آمد، من از اولین کسانی بودم که برای نوازندگی به تلویزیون رفتم و تقریباً از شروع تلویزیون بودم تا حوالی سالهای ۵۷،۵۶ که کار ما یعنی موسیقی به شکل حضور در تلویزیون و نوازندگی در برنامه ها تعطیل شد. از ۵۷ ما



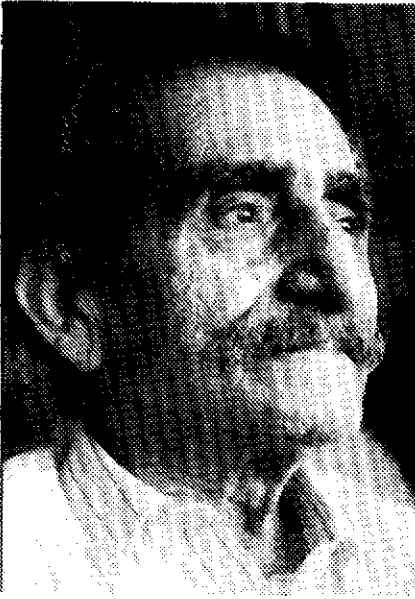
## علی اصغر بهاری:

## به یادندارم در هیچ زمانی موسیقی اصیل

## به اندازه چند سال اخیر طرفدار

## پیدا کرده باشد

● فرمهر منجزی



■ **الآن موسیقی رشد واقعی کرده منتهی**  
**عده‌ای از پیروان موسیقی تند می‌روند بایستی**  
**قدر زحمت اساتید را بدانند.**

■ **این روزها دیده می‌شود غرور کاذبی**  
**در جوانها بوجود آمده و کمتر تعقیب و تحقیق**  
**واقعی می‌کنند. به خیال خودشان**  
**به حد تعالی رسیده‌اند.**  
**در صورتیکه این فکراشتباه است.**

که به رادیو رفتن دیگر به طور رسمی ویلن نزد.  
 □ **قبلا به طور رسمی ویلن هم می‌زدید؟**  
 ■ **بله. قبلا جاهایی که می‌رفتم با ویلن می‌نواختم**  
**اما از سال ۳۲ فعالیتم را در رادیو و تلویزیون با کمانچه**  
**شروع کردم. در جاهایی با ارکستر هم که بودیم باز با**  
**کمانچه بود. دیگر من ویلن نمی‌زدم. اما خوب جاهای**  
**خصوصی گاهی وقتها با ویلن بودم.**  
 □ **بیچیز کمانچه و ویلن ساز دیگری هم می‌زدید؟**  
 ■ **خوب، سازهای دیگر را هم تا يك اندازه ای**  
**می‌توانم بزنم. مثلا سه تار و تار. سنتور زده ام اما**  
**سه تار و تار تا اندازه ای می‌زدم. ضرب هم می‌زدم. من**  
**در جوانی خواننده هم بودم. می‌خواندم يك مدتی هم**  
**برای خوانندگی به ارکسترها دعوت می‌شدم. کم کم**  
**سازم که قوی شد کمتر خوانندگی کردم.**  
 □ **یادگیری را چه طور شروع کردید؟ یا نت یا به**  
**روش سینه به سینه.**  
 ■ **خیر! من سینه به سینه شروع کردم.**

□ **الان چگونه تعلیم می‌دهید؟**  
 ■ **الان هم باز سینه به سینه تعلیم می‌دهم، منتها آن**  
**چند سالی که در وزارت فرهنگ و هنر با ارکستر بزرگ**  
**کار می‌کردیم، آنجا با نت تعلیم می‌دادیم. آنها که با من**  
**می‌نشستند و ساز کمانچه دستشان بود نت جلومان بود**  
**من آنها را که می‌دیدم کم کم با نت آشنا شدم. آن موقع**  
**شش سال در فرهنگ و هنر با نت می‌زدیم البته اول**  
**حفظ می‌کردیم بعد هم نت برای یادآوری جلوی رویمان**  
**بود. آن موقع رهبر ارکستر بزرگ مرحوم روح الله**  
**خالقی بود. منتها در آن زمان «نی» نبود مرحوم «وزیری**  
**تبار» قره نی می‌زد. عمارام فلوت می‌زد، نی یکی دوتا**  
**بود که برای ارکستر آماده نبودند آقای کسایی هم آن**  
**موقع بودند منتها حاضر نبودند با ارکستر بزرگ کار**  
**کنند. البته يك «نی» هم که برای ارکستر کافی نبود.**  
**فقط قره نی بود و فلوت. سازهای غربی هم در آن**  
**ارکسترها بود، اما حالا نیست. حالا تقریباً شاید ۳۰**  
**سال است که ویلن دیگر در ارکسترهای سنتی ما نیست**

■ **نه! قرار بود که باز هم آن کار را ادامه بدهند.**  
 البته يك سال قبل از آن هم دعوتی به اصفهان داشتیم.  
 که باز يك گروه تقریباً ده نفره از تهران بودند چند نفر  
 هم از اصفهان که من و ناصر فرهنگ فر در تالار  
 آن شهر برنامه دونوازی اجرا کردیم.  
 يك گروه ده نفری که اکثراً از شاگردان خود من بودند  
 برنامه اجرا کردند. در اروپا هم شاگردان من خیلی  
 زیادند. در لوس آنجلس دو سه دسته از موسیقیدانهای  
 ایرانی هستند که شاید ده - دوازده تاشان از شاگردان  
 من هستند.

□ **از کارهایتان در مورد پیشبرد نوازندگی**  
**کمانچه بگوئید.**  
 ■ **تقریباً می‌توانم بگویم کمانچه را من به رادیو**  
**آوردم و به گوش مردم رساندم و قبل از من مدتی بود که**  
**کمانچه در رادیو اجرا نمی‌شد. ویلن جای کمانچه را**  
**گرفته بود.**

من تقریباً از سال ۱۳۱۰ شروع به نواختن ویلن  
 کردم. و تا سال ۱۳۳۲ که به رادیو رفتم به طور جدی به  
 نواختن ساز ویلن می‌پرداختم. اما گفتم به رادیو  
 می‌خواهم با کمانچه بیایم که این ساز را برگردانم و  
 همینطور هم شد. در آن زمان کسی به طور جدی  
 کمانچه نمی‌نواخت. بعد از چهار سال ۶ تا از  
 شاگردهای من، آمدند در ارکستر پیش من، نشستند.  
 اینها کمانچه خوب می‌زدند. باهم در ارکستر ۳۶ نفره  
 وزارت فرهنگ و هنر بودیم. قبلاً کمانچه نواز نداشتم  
 از سال ۳۲ که من آمدم رادیو، ۳۶ نوازنده کمانچه پیدا  
 شد، که حالا شاید به دو سه هزار نفر رسیده باشند. من  
 فکر می‌کنم اگر من نمی‌آمدم و در رادیو این ساز را  
 نمی‌زدم این ساز الان یا نبود و از بین رفته بود و یا  
 موقعیت فعلی را نداشت.

□ **شما از ابتدا هم فراگیری موسیقی را با**  
**کمانچه شروع کردید؟**  
 ■ **بله ابتدا با کمانچه شروع کردم تا ۲۰ سال در**  
**ارکسترها با کمانچه تک نوازی کردم. و از سال ۳۲ هم**

دیگر کار نداشتم. نه در تلویزیون بودیم نه در رادیو. این  
 مدت طولانی یعنی از ۳۳ تا ۵۷ من مرتب هم رادیو بودم  
 و هم تلویزیون. باید موسیقی اصیل را به مردم معرفی  
 می‌کردیم. البته دعوت به خارج هم زیاد بود.

□ **منظورتان زمانی است که در رادیو، تلویزیون**  
**برنامه داشتید؟**  
 ■ **بله. دعوت ما به خارج زیاد بود، یعنی دفعه اول**  
**گروه ما ۵ نفری بود. سال ۴۶ مرحوم حسین تهرانی،**  
**مرحوم جهانبگلو و مرحوم قوامی بودند، با فرهنگ**  
**شریف و من. ما به فرانسه و آلمان دعوت شده بودیم**  
**منتها در فرانسه کارمان نیمه کاره ماند. چون اختلافی**  
**پیدا شد و ماهه جای ۵ شب، سه شب کنسرت داشتیم.**  
**بعد رفتیم آلمان. آنجا هم پنج شب کنسرت داشتیم.**  
**بعداً از سال ۴۷ و ۴۸ به بعد، من جداگانه چند بار به**  
**اروپا رفتم. البته گاهی با گروه بود. گاهی هم تنهایی.**  
**هشت سال پشت سر هم در اروپا برنامه داشتیم.**  
**(برای شرکت در فستیوال‌های جهانی (در فرانسه)**  
**و یا اجرای کنسرت). اما آنها هم دیگر**  
**تعطیل شد. به این ترتیب، کار ما به کلی تعطیل شد،**  
**یعنی از سال ۱۳۵۶. من از بیجگی (۱۵ سالگی) تا**  
**حدود ۶۵ سالگی در بخش رادیو تلویزیون، حدود**  
**پنجاه سال حضور دادم و فعال داشتم اما الان هم ۱۵**  
**سال است که کارم تعطیل است. یعنی کار ما قدیمی‌ها**  
**تعطیل است. کار موسیقی در رادیو تلویزیون هست اما**  
**کار گروه اساتید نیست. ما در حال حاضر فعالیتی**  
**نداریم. بی‌کاریم! اما در این مدت یکی دو بار به اروپا**  
**رفتیم. بعد از دوازده سال يك مسافرت به آلمان بود که**  
**رفتم يك مسافرت هم گروهی بود که در سال گذشته**  
**رفتیم به اروپا و آمریکا. ولی از آن به بعد حدود يك**  
**سال است که کنسرتی و کار به اصطلاح هنری در ایران**  
**نداشتم. البته بعد از گذشت دوازده سال در سال ۱۳۶۸**  
**کنسرتی به مدت هفت شب در تالار وحدت اجرا**  
**کردیم.**  
 □ **بعد از آن دیگر از شما دعوتی نشد؟**



فقط تار و کمانچه است. قره نی و فلوت هم نیست. نی هست، حالا در ارکسترهای سنتی عوض قره نی و فلوت، نی نواخته می شود.

□ استاد آیا شما تغییراتی در نواختن ساز کمانچه داده اید؟ یا اینکه کمانچه را به همان روشی که قبلاً بوده می نوازید؟

■ موسیقی نوعی تکنیک است که به مرور زمان پیشرفت کرده و تغییر می یابد. مسلماً به آن صورتی که ۴۰ سال پیش سازی زدم امروز نمی زدم و تغییراتی در نواختن ایجاد شده و مطمئناً به سوی تکامل پیش رفته ام. البته آن موقع هم ناقص بود. منتها حالا به مرور زمان تجربیاتی که کسب کرده ام و بر آن افزوده ام، سازم تکمیل تر شده است. البته اصل و اساس موسیقی که تغییر نمی کند ولی در نوازندگی سازها به مرور زمان تغییراتی رخ می دهد.

یعنی در هر صورت، باطن مطلب که همان دستگاهها و مقامها هستند به همان ماهیت که بوده اند، حفظ شده اند. آن ۷ دستگاه همان که بوده هست، آن پنج آواز هم همان است. منتها ما چیزهایی بر اساس آنها ساخته ایم. مثلاً خود من شاید ۲۰ تا ۳۰ قطعه بر اساس این دستگاههای موسیقی ساخته باشم.

□ پس شما بجز نوازندگی، آهنگسازی هم کرده اید؟

■ آهنگسازی در حد موسیقی دستگاههای خودمان بود. مثلاً از شعرهای سمدی، از شعرهای حافظ، از تصنیفهایی که جدیداً می خوانند یا خوانده اند من در این زمینه یکی دو آهنگ ساخته ام. البته از شعرهای سبک مرحوم شیدا، عارف و ملک الشعرا هم استفاده کرده ام.

□ استاد شما نقش خواننده را در موسیقی ایرانی چقدر مؤثر می دانید؟ فکر می کنید موسیقی حتماً باید همراه با آواز باشد یا بدون آن هم می شود؟

■ موسیقی دو شکل است، یکی تک نوازی است

که آن تک نوازی منحصر به سازهاست مثلاً کمانچه یا سنتور یا تار، یا هر سازی، آن تک نوازی است که خوب، سازها را تنها می زنند. یکی هم هست که گروه نوازی است و یا ارکستر می زنند این هم بدون خواننده است. گاهی اوقات در بخشهایی لازم است که خواننده باشد. بنابراین می توان موسیقی را به سه بخش تک نوازی و گروه نوازی بدون خواننده و گروه نوازی با خواننده تقسیم کرد. خواننده هم همراه موسیقی باید رشد کند. وجود خواننده لازم است، البته خواننده ای که اصولی بخواند و ردیف و دستگاه بداند. البته ساز را می توان بدون خواننده نواخت. ولی خواننده نمی تواند بدون ساز بخواند.

□ شما مسلماً با خواننده های زیادی کار کرده اید؟ با کدامیک از آنها راحت تر بوده اید؟

■ مرحوم ادیب خوانساری، مرحوم قوامی، مرحوم بنان. بیشتر من با آنها کار می کردم. یکی بود به اسم سادات که حالا در ایران نیست. و دردشتی. خواننده های خیلی نامی و خوبی بودند که من با آنها کار می کردم. مرحوم اقبال هم همین طور ولیکن با مرحوم طاهرزاده کار نکرده ام چون زمانی که من شروع به کار کردم او دیگر نمی خواند.

ادیب خوانساری اولین کسی بود که با او کار کردم که این همکاری ده، دوازده سالی ادامه داشت. منتھی بیشتر ما در جاهای خصوصی برنامه اجرا می کردیم در رادیو هم با خواننده خیلی کم برنامه اجرا کردم. چون می گفتند ساز تو نیازی به خواننده ندارد برنامه من بیشتر تکنوازی بود.

می گفتند خواننده را با سازی می گذاریم که سازش ضعیف تر است. من بیشتر در رادیو و تلویزیون تک نوازی می کردم. البته گروه نوازی و به همراه خواننده هم بود. یک مدتی هم از خواننده های خانم بودند که در جاهای رسمی نمی خواندند. منتها، با آنها تمرین می کردیم.

□ با کدامیک از خواننده هایی که الان فعال هستند همکاری داشته اید؟

■ ناده سال پیش آقای شجریان خواننده گروه ما بود. که این همکاری شاید به مدت ده، پانزده سال ادامه داشت. تا قبل از انقلاب این فعالیت ادامه داشت. بعد از اینکه کار موسیقی تعطیل شد هر کدام جداگانه برنامه اجرا کردیم. و چهار سال پیش که ما در تالار وحدت برنامه داشتیم آقای شهرام ناظری خواننده گروه ما بود و در سفرهای اروپا و آمریکا هم ایشان به همراه ما آمدند.

□ استاد، استقبال مردم در خارج از کشور از برنامه شما چگونه بود؟

■ فوق العاده بود، استقبال مردم به حدی بود که من بعد از انجام کار دو ساعت گرفتار امضاء کردن بودم واقعاً می گویم. دو ساعت! همین جا هم همینطور. استقبال فوق العاده بود. در هیچ زمانی موسیقی مطابق چند سال اخیر طرفدار نداشته. نه این که مردم يك مدتی دسترسی به موسیقی خوب نداشتند، این است که اشتیاقشان زیادتر شد. خواهش شان بیشتر شد و به

موسیقی گرایش بیشتری پیدا کردند. الان موسیقی در بین مردم جلوه بسیاری دارد. هم در ایران هم در خارج. چون هر جا که بریم آنجا به سختی می گذارند برگردیم. می گویند: باید ادامه دهید! من دوماه خارج از کشور بودم، ممکن بود که سه چهار ماه دیگر هم بتوانم آنجا کار کنم. منتھی نمی شد، درست نبود. و تنها هم بودم. خوب البته آنجا همکاریهای قدیمیم بودند. ولی نمی شد، قرارمان این نبود که از این گروه جدا شوم. و جداگانه کاری بکنم.

□ برای رشد موسیقی شما چه پیشنهاداتی می کنید برای اینکه موسیقی ما بهتر بشود و یا بیشتر در بین مردم گسترش پیدا کند.

■ جوانهای ما بایستی از کار کرده ها و اساتید با سابقه بیشتر استفاده کنند. یعنی خودشان اطلاعات بیشتری از موسیقی پیدا کنند. و در جا نزنند. اگر اینطور ادامه دهند يك مدتی موسیقی عقب می افتد، از موسیقی کسر می شود چون الان يك عده ای تند می روند فکر می کنند که الان به اوج و عظمت موسیقی رسیدند در حالیکه اینطور نیست. این امر به گذشت زمان نیاز دارد. مثلاً الان ممکن است نوازنده ای خیلی خوب بزند ولی اگر ده، بیست یا سی سال از کار او بگذرد مسلماً کارش پخته تر و بهتر می شود. باید با اساتید بیشتر کار کنند و از تجربیات آنها استفاده کنند اگر این مسایل رعایت نشود موسیقی نه تنها پیش نمی رود بلکه در جا می زند یا حتی به عقب می رود. این روزها دیده می شود غرور کاذبی در جوانها بوجود آمده و کمتر تعقیب و تحقیق واقعی می کنند. به خیال خودشان به حد تعالی رسیده اند. در صورتیکه این فکر اشتباه است. به این زودی نمی توان به رشد و تعالی رسید باید مدتها روی موسیقی کار کرد تا کار پخته و بی عیب شود.

□ استاد، بعضی ها می گویند موسیقی ایرانی محدود است به يك سری دستگاه و ردیف و چهارتا آواز نظر شما چیست؟

■ نه اتفاقاً عکس این است، موسیقی غربی محدود است. آنها دو مقام بیشتر ندارند. يك ماژور دارند يك مینور. ما هفت دستگاه و پنج آواز داریم که می توانیم روی اینها کار کنیم. منتھی کار زیادی روی موسیقی ما نشده و توسعه پیدا نکرده است غربیها همان دو دستگاه را چنان توسعه داده و جلو برده اند که به نظر می رسد موسیقی آنها قویتر و غنی تر است. شما اگر يك ماه مرتب به موسیقی غربی گوش کنید آن هم یکنواخت می شود. موسیقی ما تغییر پذیر است. هفت رقم عوض می شود، دوازده رقم عوض می شود. اکثراً الان غربیها دارند روی موسیقی ایرانی کار می کنند.

موسیقیدانهایشان زیاد در این کار کنکاش کردند. موسیقی ما و موسیقی هند غنی هستند اصولاً موسیقی آسیا غنی تر از موسیقی اروپا و امریکاست.

خوب مسلم است چون غربیها بیشتر روی موسیقی شان کار کرده اند، آهنگهای بیشتر و متنوع تری ساخته اند. ما در این هفت دستگاه حتی يك



سوم آنها هم آهنگ نساخته ایم، البته موقعیت موسیقی ما همیشه یکسان نبوده، بستگی به دولتهای وقت داشته. مثلاً در زمان کریمخان زند موسیقی شهرت خیلی زیادی پیدا کرده بود، زمان قاجاریه به کلی به هم خورد. در زمان کریمخان زند در سر چهارراهها ارکستر بوده، اما در زمان قاجاریه اصلاً موسیقی برای مردم نبوده فقط محدود به اعیان و به اصطلاح رجال بود که به آنها می گفتند نوازندگان در بار. برای مردم عادی فقط

## ■ ما هفت دستگاه و پنج آواز داریم که می توانیم روی اینها کار کنیم. منتهی کار زیادی روی موسیقی ما نشده و توسعه پیدا نکرده است.

دوره گردها و مطربها بودند که دوره می افتادند و برنامه اجرا می کردند. لوطی عنتری و از این چیزها بود و اصلاً موسیقیدان بین اینها خیلی کم بود. اگر هم بود اصلاً کسی به آنها توجه نداشته، طالب نداشته، توی مردم تقلید یا مضحکه بوده، چیزهای خنده آور بوده، موسیقی واقعی در زمان قاجاریه اصلاً برای عموم مردم نبوده فقط برای رجال بوده برای مردم دوره گردها بودند، مثلاً یکی خسته سوران داشته یکی زایمان داشته و از این چیزها! اشخاص خیلی وارد به این کار خیلی توجه نمی کردند نمی خواستند این چیزها باشند. نوازنده های خیلی خوب آن موقع نبودند، منتها اگر بودند مثلاً به اصطلاح استخدام بودند و ماهیانه حقوق می گرفتند که فقط آموزشان بگذرد. مثلاً پدر بزرگ من پیش ظل السلطان بوده در اصفهان یا دانی های من پیش فلان الدوله و فلان السلطنه بودند. موسیقی برای عموم مردم نبوده، اصلاً مردم عامی کار اینها را نمی پسندیدند. آنها روحی ها و همان تقلیدها را بیشتر دوست داشتند. اما حالا موسیقی تقریباً رشد کرده. رشد موسیقی ما بین مردم الان یکتواخت است یعنی به یک شکل است. همه مردم طالب موسیقی اند. الان کسی مخالف موسیقی نیست. آن موقع شاید صدی چهار، صدی پنجاه مخالف موسیقی بودند. موسیقی را حرام می دانستند. اما الان دیگر این طور نیست. یک وقت بود که ساز را طرف باید زیر عباپیش می گرفت. اگر بیرون می آمد، می شکستند. در قدیم، در بچگی من مثلاً در همسایگی ما یک شب لواسانی ها عروسی داشتند. می ریزند با چوب ساز آنها را خرد می کنند. آن بزم را به هم می ریزند. عروس و داماد هم غش می کنند و می افتند بعداً می بینند بدکاری شده فردایش برای آنها خنجه و شیرینی و اینها می فرستند و ازشان عذرخواهی می کنند، یکی از بزرگان محل اعتراض می کند که چرا عروسی را بهم زدید و این کارها را کردید. از این چیزها بوده اما حالا دیگر اینچنین مسایل وجود ندارد اگر کسی مایل نباشد دیگر کاری

پهلوی من. همین طور به مرور آمده اند. از چهل پنجاه سال قبل تا حالا خیلی از خواننده ها آمده اند و بامن کار کرده اند. تا اندازه ای هم پیشرفت کرده اند. اکثر خواننده های سابق، بامن کار کرده اند. البته نه به صورتی که شاگرد من باشند همین طور که دور هم بودند من بهشان درس دادم. چیزهایی از من یاد گرفتند. خودشان هم اقرار داشتند که چیزهایی یاد گرفته اند. مخصوصاً خواننده ها. نوازنده ها هم مایلند بیایند خصوصاً نوازنده های کمانچه مایلند بیایند چیزهایی که من می دانم از من یاد بگیرند. مایلند بیایند و کار کنند. من هم خالصاً مخلصاً حاضریم که بهشان یاد بدهم. منتها ملاحظه سن و سال مرا می کنند. مشکل دیگر هم این که مادر خانه مان تلفن نداریم. نبودن تلفن هم برای من مشکل است هم برای آنها، وگرنه من خیلی شاگرد داشتم، همین الان شاید هفته ای ده تا پانزده شاگرد می توانستم داشته باشم که البته در همین حدود هم هست. در طی روزهای هفته می آیند. دو نفر از سمنان می آیند. چندتا نوازنده و خواننده هم هستند که می آیند.

ندارند و باعث آزار و اذیت دیگران هم نمی شوند. الان موسیقی رشد واقعی کرده منتهی عده ای از پیروان موسیقی تند می روند، بایستی که زحمت ماها را قدر بدانند. این موجب می شود که برای پیری شان ذخیره داشته باشند. اگر این کار را بکنند برای پیری شان خیلی لازم است. اکثر شاگردهای من این طورند مثل یک موسیقیدان شصت ساله درکشان خوب است. چون این راه را بهشان یاد می دهم که تو موسیقی واقعی را بدان برای خودت. اگر هم که می خواهی پیشرفت کنی از همین راه می توانی پیشرفت کنی. همین طور هم اکثر خواننده ها را من درس دادم. از خواننده های قدیمی که بگذریم چون خودشان استاد بودند از این بعدی ها خیلی از خواننده ها نزد من تعلیم گرفتند.

□ استاد، خاطره ای اگر دارید بفرمایید.  
 ■ والله آن طور که شما از من سؤال کردید. من مفصل گفتم. خاطره ای ندارم که یادم بیاید و بگویم.  
 □ صحبتی، پیشنهادی در رابطه با موسیقی ندارید؟

■ پیشنهاد من در ضمن گفتارم بیان شد. جوانها باید از اساتید بیشتر پیروی کنند تا این که خودشان در یک زمانی استاد واقعی بشوند ما هم اگر قدر استادان، گذشته را نمی دانستیم و به آنها احترام نمی گذاشتیم، الان چیزهایی را که می دانیم، نمی دانستیم. اگر من چیزهایی از پدر بزرگم یاد گرفته ام برای این بود که قدر او را می دانستم. کارهایی را که او کرده من هنوز هم با این سن و سالم یاد هست. چیزهایی که او گفته، کارهایی که به من یاد داد. طبیعتاً ما هم اگر چیزی را که می دانیم به این جوانها یاد بدهیم برایشان ذخیره می شود، به شرطی که «متوجه» باشند. یک عده ای شان می آیند، یک عده ای شان هم غرور پیدا می کنند و به راه خود می روند.

□ آیا در حال حاضر شاگردانی دارید؟  
 ■ کسانی که کار کرده هستند نزد من می آیند. مبنی ها نه، بیشتر چند تا خواننده هستند که می آیند

□ برای تکمیل کارشان نزد شما می آیند؟  
 ■ بله اینها هر کدام یک دسته ارکستر دارند ولی می گویند مامی خواهیم کمانچه را این طور که تو می زنی یاد بگیریم. می خواهند کار کنند که دستشان قوی شود. اینها که می آیند پهلوی من هر کدام یک نوازنده کمانچه هستند. اکثراً هم استادند. مثلاً آقای شکارچی با یک عده شاگردهایش می آمدند. ایشان شاگرد سی سال پیش من هستند. باز هم مایل است نزد من بیاید.  
 □ بیشتر از این وقتتان را نگیریم؟  
 ■ هر چه که نظرتان باشد من همان را انجام می دهم.  
 □ اختیار دارید استاد! خیلی متشکریم از این که وقتتان را در اختیار ما گذاشتید.